

موقعیت اقتصادی و بازرگانی اطریش

دکتر هارتلب - مدیر بخش بازرگانی سفارت اطریش

ژانویه ۲۰۰۳

ارزیابی اقتصادی اطریش در سال ۲۰۰۱
خلاصه

رشد اقتصادی اطریش در حال حاضر ضعیف شده و به شکلی منفی تحت تاثیر شوک جهانی ناشی از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده قرار گرفته است. البته، پیش بینی می شود این وضعیت در نیمه دوم سال آینده بهبودی یابد که این امر منعکس کننده آن است که انتظار می رود شرایط پولی و تجاری جهان به ثبات ترمزی برای رشد تولید ناخالص ملی عمل نکند. البته اگر اطریش قصد دارد تا رشد خود را افزایش دهد و بطور کامل از مزایای اروپای یکپارچه بهره برد، چالشهای مهم همچنان باقی خواهند ماند. اصلاحات گسترده ساختاری که توسط دولت اعلام شده شامل ایجاد یک سیستم بازنشستگی بر اساس یک مبنای ثابت مالی، افزایش کارایی بخش دولتی، افزایش منافع اجتماعی، افزایش مشوقها در بازار کار، ایجاد شبکه هایی از صنایع جهت توسعه رقابت، و افزایش عملکرد سیستم آموزشی می باشد. اکثر این اقدامات بدرستی انجام شده اند و اگر به طور کامل انجام شوند، اصلاحات ساختاری تسریع خواهند شد. قبلاً تدابیر سیاسی گوناگونی به کار گرفته یا معرفی شده اند. البته در برخی موارد، به نظر می رسد این سیاستها مغایر با افزایش مشوقهای اقتصادی با بهبود شرایط مالی هستند. در این زمینه اصلاً خوشایند نیست که دولت به سراغ سیستمی برود که مشخص شده تاثیر منفی

بر ساعات کار کارکنان دارد. اصلاحات بنیادی در سیستم پرداخت مقرری بازنشستگی ضروری است. همچنین کارایی سیستم های کارایی باید افزایش یابد و طرحهای مربوط به اصلاحات در دانشگاهها به اجرا در آیند. اگر چه در زمینه قوانین مربوط به رقابت پیشرفتهای خوبی حاصل شده است اما بازگشایی بازارها باید توسط اصلاحات بیشتر پشتیبانی و حمایت گردد. از میان بردن معایب دولت نیازمند جایگزینی سریع بودجه برای آن دسته از سیاستهای ساختاری است که با حفظ سپرده گذاریها مرتبط هستند. برای تحقق این هدف، باید برنامه های سرمایه گذاری تعیین شوند تا بتوان صرفه جویی بیشتری در هزینه ها نمود. انتخاب پروژههای کارآمدتر نیز نیازمند ایجاد چارچوبی کارآمد از سیاستهای گذشته و آینده در مورد ارزیابی هزینه ها است. استفاده از این چارچوبها در بخشهای خصوصی و دولتی باید مشخص شده و روشن گردد که بخش خصوصی موظف است چه خدماتی را ارائه نماید. اگر چه رفع نقایص دولتی همچنان یک هدف کوتاه مدت تلقی می گردد، اما ایجاد ظرفیتهای بیشتر دولتی در میان مدت به مقابله با فشارهای مالی مرتبط با جمعیت مسن و پنا به سن گذاشته کمک خواهد کرد. در خصوص توسعه پایدار در بخش محیط زیست، اطریش از نظر عملکرد زیست محیطی و تلاش برای بهبود نتایج زیست محیطی در جایگاه مناسبی قرار دارد. البته،

سیاستهای قبلی عمدتاً بر معیارهای فرمان و کنترل^۱ استوار بوده در حالی که ابزار اقتصادی - هم به صورت یارانه و هم به صورت مالیات - ارتباط چندان مستحکمی با اهداف زیست محیطی ندارند و در نتیجه به هزینه های بالاتر و تحریف موضوعات می انجامند. بنابر این، باید برای بهبود عملکرد زیست محیطی همچون دریافت مالیات در خصوص گاز CO2 استفاده بیشتری از ابزار اقتصادی بعمل آید. بعلاوه برای تجزیه و تحلیل هزینه ها، ارزیابی برنامه های تدوین سیاستهای زیست محیطی و کاهش بار اقتصادی تحقق اهداف زیست محیطی، به یک رویکرد یکپارچه نیاز است. پیشرفت در همه این امور برای تسهیل در تحقق تغییرات نهادی که امکان افزایش بیشتر استانداردهای زندگی در اطریش را فراهم می آورد، کمک به وحدت اجتماعی و حفظ یک محیط زیست جذاب الزامی است.

آیا عملکرد اقتصادی کافی بوده است؟

از اواسط دهه ۱۹۹۰، رشد اقتصادی اطریش همچنان با حد میانگین اتحادیه اروپا بوده است. البته، به نظر می رسد که اقتصاد اطریش هرگز در مسیری که منجر به رشدی بالاتر از این میانگین باشد حرکت نکرده است و این در حالی است که الحاق اطریش به اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۵ و تحول در بازار کشورهای شرق اروپا بسیاری از موانع پیش روی صادر و وارد کنندگان اطریش را برچیده است. اگر چه سهم تجارت اطریش در افزایش یافت، اما این کشور سهم خویش در

بازار را از دست داد. در خصوص افزایش احتمالی رشد اقتصادی اطریش باید دو موضوع مهم را مدنظر قرار دهیم. نخست، تثبیت بودجه برای مدتی طولانی به تعویق افتاد و یک سیاست پرنوسان مالی اتخاذ شد. در شرایط مشابهی، اصلاحات اساسی در بخش دولتی که قرار بود در دهه ۱۹۹۰ انجام شود به تاخیر افتاد و مانع از تاثیر مثبت این گونه اصلاحات بر کل اقتصاد کشور گردید. دوم، اطریش اصلاحات در چارچوب قضایی و حقوقی خود را نیز تعویق انداخت. این امر قابل درک است زیرا این چارچوب در اوایل اعمال تغییرات ساختاری به شکلی کاملاً موفقیت آمیز به

در بخش خدمات پستی، سازمان پست اطریش حق انحصاری تحویل مراسلات تا ۳۵۰ گرم را در اختیار دارد. این حق انحصاری باید کاهش یافته یا ترجیحاً از میان برداشته شود. صلاحیت نظارت در این کار باید از وزارت حمل و نقل، نوآوری و فن آوری به یک مرجع مستقل قدرتمند واگذار شود.

رشد بالای اقتصادی کمک نموده بود. البته، تحقق اثرات مثبت توسعه که ناشی از وحدت بین المللی و تغییرات سریع تکنولوژیکی است، نیازمند اصلاحات بیشتر در بازارهای تولیدی و کاری بویژه بازارهای است که نتایج موفق و انعطاف پذیری ساختاری آنها به اثبات رسیده است. سیاستهای موجود کاملاً همخوان با این شرایط هستند اما چالش اعمال اصلاحات ساختاری همچنان به قوت خود باقی مانده است. در حالیکه فصل نخست به ارزیابی عناصر مهم اقتصاد کلان در محیطهای کاری و ارزشیابیهای اداری می پردازد، موضوعاتی همچون سیاستهای مالی و اصلاحات

ساختاری در فصول II و III این گزارش مورد بررسی قرار گرفته اند، نهایتاً، در فصل IV به تشریح برخی موضوعات مرتبط با توسعه پایدار اقتصادی می پردازیم.

چگونه اقتصاد چرخه موجود را تکمیل می نماید؟

رشد واقعی تولید ناخالص ملی در سال ۲۰۰۰ حدود ۳٪ بوده است که رقم نسبتاً بالایی است و همخوان با میانگین رشد اتحادیه اروپا است. اقتصاد اطریش در چرخه بهبود اقتصادی^۱ اتحادیه اروپا که ناشی از افزایش تجارت جهانی در نیمه دوم سال ۱۹۹۹ و سال ۲۰۰۰ بوده است، شرکت داشته است. در بعد داخلی، رشد بالای

مصرف محصولات داخلی، درآمد خالص ناشی از کاهش مالیاتها که در ژانویه سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد و رشد قابل ملاحظه سرمایه گذاری در ماشین آلات و

تجهیزات این چرخه رو به بهبودی را مستحکم نمود. اما در نیمه دوم سال ۲۰۰۱ و سال ۲۰۰۲ این رشد اقتصادی بدلیل کاهش رشد تجارت جهانی، کند شد. رشد مصرف کالاهای داخلی نیز کاهش یافت زیرا بدلیل افزایش بهای نفت و تضعیف نرخ مبادلات ارزی، تورم قیمت محصولات افزایش یافت و سرمایه گذاری در بخش ماشین آلات و تجهیزات نیز نسبت به نیمه دوم سال ۲۰۰۰ رشد کمتری داشت و این در حالی بود که در هر دو دوره سرمایه گذاری در بخش عمران، ضعیف بود. اشتغال رو به افزایش بود اما با روندی بسیار کند، به صورتی که طی ماههای اخیر

بیکاری افزایش یافته است. در بهار سال ۲۰۰۱، تورم قیمت کالاهای مصرفی با رقمی معادل سه و یک چهارم درصد به اوج خود رسید.

افزایش مالیاتها غیر مستقیم منجر به بالا رفتن سطح قیمتها گردید. اما تا اواسط سال ۲۰۰۱، تورم به میزان قابل توجهی کاهش یافت که این امر بدلیل اثرات ناشی از برقراری تعادل در قیمت قبلی نفت و همچنین مالیاتها ی غیرمستقیم سال پیش می باشد. دستمزدها در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت، اما پرداخت آنها برای کمک به ایجاد اشتغال در سطحی یکنواخت باقی ماند.

به نظر می رسد توسعه در سال ۲۰۰۱ کمتر از سال قبل و به شکلی قابل ملاحظه کمتر از برآوردهای سازمان همکاری توسعه اقتصادی باشد. این امر منعکس کننده کاهش تجارت جهانی و کاهش تقاضای داخلی است که در طول سال کاملاً مشهود بوده و شوک منفی ناشی از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده این ضعف را تشدید نموده است. گفته می شود که اثرات منفی این رخداد طی نیمه اول سال آتی تجارت جهانی را بیش از پیش تضعیف خواهد نمود. اما ممکن است رشد تجارت جهانی پس از این دوره مجدداً افزایش یابد و از طریق بالا رفتن تقاضای داخلی به افزایش فعالیتهای اطریش بیانجامد. در واقع، احتمال می رود که بدلیل اعتماد مصرف کنندگان وضعیتهای کالاهای مصرفی بهبود یابد و به افزایش درآمدهای خالص، افزایش منافع خانواده ها و بهبود شرایط تجاری بیانجامد. سرمایه گذاری در ماشین آلات و تجهیزات همراه با تقاضای خارجی نیز باید افزایش یابد. در سال ۲۰۰۲ بخش عمران همچنان در وضعیت نامساعدی قرار

داشت اما باید آن را نیز بهبود بخشید. اگر چه بر آورد می شود هزینه های دولتی بدلیل یکپارچگی سیاستهای مالی کاهش یابد اما پیش بینی می گردد که شرایط پولی به رشد و توسعه کمک نمایند. به طور کلی، پیش بینی می شود رشد ناخالص ملی در نیمه دوم سال آتی از سرگرفته شود و حتی در سال ۲۰۰۳ بیشتر شده و امکان از میان رفتن شکاف موجود که در سالهای ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ رخ داده بود، فراهم آید. خطر اصلی این برآوردها عبارتست از عدم بهبود تجارت جهانی به میزان پیش بینی شده، بویژه به تعویق افتادن چرخه بهبود آلمان بعنوان مهمترین طرف تجاری اطریش.

چگونه دولت می تواند به تراز بودجه دست یابد؟

ثبیت وضعیت پولی از سال ۱۹۹۷ به بعد الزامی شد. به همین دلیل در سال ۱۹۹۸ کسر بودجه دولت بیشتر شد و این وضعیت در سال ۱۹۹۹ نیز به همین منوال باقی ماند. در سال ۲۰۰۰، اجرای بودجه فدرال بدلیل مرحله انتقال که همزمان با تعیین دولت جدید از طریق انتخابات عمومی بود، به تعویق افتاد. کاهش مالیاتها و افزایش مقرری خانواده ها که از ژانویه سال ۲۰۰۰ به اجرا درآمد بیش از پیش تحقق ثبات پولی را پیچیده تر ساخت. معهدا، در سال ۲۰۰۰، کسر بودجه دولت نسبت به تولید ناخالص ملی ۱۰٪ کاهش یافت و به ۱/۱٪ رسید که دو دلیل عمده آن عبارت بودند از افزایش درخواستها جهت دریافت مجوز بهره برداری از تلفنهای همراه UMTS که ۰/۴٪ کل تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده بود و همچنین تدابیر افزایش درآمدها که توسط دولت جدید ارائه شده بودند.

هدف دولت در سال ۲۰۰۰ تدوین یک برنامه پایدار جهت کاهش کسر بودجه دولت به میزان سه چهارم درصد تولید ناخالص ملی سال ۲۰۰۱، ایجاد تراز بودجه تا سال ۲۰۰۲ و حفظ این تراز در آینده بود. در همین راستا، برنامه های تثبیت پولی که شامل محدود کردن هزینه ها و تدابیر افزایش درآمدها بود، به اجرا درآمدند. در بعد هزینه ها، تدابیر مربوط به اصلاحات ساختاری، کاهش استخدام در ادارات دولتی و فدرال، تمرکز بیشتر بر تأمین مبادلات اجتماعی و تدابیر طراحی شده جهت کاهش وظایف دولتی و واگذاری آنها به بخش خصوصی، باعث صرفه جوییهای زیادی در هزینه ها گردیدند. برخی از این تدابیر از قبل به اجرا درآمده بودند اما برخی دیگر هنوز در مرحله تصمیم گیری هستند. در بعد افزایش درآمدها، اقداماتی برای گسترش مالیاتها به اجرا درآمده اند اما بخش مهمی از تثبیت شرایط پولی در سال ۲۰۰۱ شامل تدابیری تک بعدی است. وضع بیش از حد انتظار مالیات بر کسب و کار و کاهش نرخ بهره در اواخر سال ۲۰۰۱ نمایانگر آن است که تراز مورد نظر در این سال تحقق خواهد یافت. از سوی دیگر، کاهش شدید فعالیتهای اقتصادی، حفظ این تراز در سال ۲۰۰۲ را بیش از پیش دشوار ساخته است. پروژه های اجرایی در سال ۲۰۰۲، اجرای تدابیر تثبیت شرایط پولی، افزایش مقرری کودکان، کسری بودجه تقریباً یک دوم درصدی نسبت به تولید ناخالص ملی منعکس کننده تاثیر عمیق بودجه بر سیاستهای تثبیت کننده است. چه تدابیری منجر به استمرار بیشتر ثبات پولی خواهند گردید؟

بروز سریع مشکلات ساختاری جایگزین مراحل اولیه تثبیت شرایط پولی منکی به تدابیر تک بعدی هستند و همچنان که تراز مالی افزایش می یابد، برنامه های جدید اجتماعی نیز معرفی می شوند. در حال حاضر، به نظر می رسد علیرغم کند شدن روند توسعه طی دو سال اخیر، تراز بودجه انعطاف پذیرتر از قبل بوده است، معهدا، برای تحقق اهداف میان مدت تثبیت شرایط پولی هم در بعد درآمدها و هم در بعد هزینه ها، به کنترل های شدیدی نیاز است. مهمترین نکته آن است که تدابیر تک بعدی نقش مهمی در برنامه صرفه جویی دولت ایفاء می کنند و تمامی اصلاحات ساختاری به طور کامل اجرا نشده اند یا حتی در مورد برخی بخشها هنوز هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نشده است. بعلاوه، برنامه های جدید هزینه ها همراه با مقرری جدید خانواده ها که حدود یک سوم درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد و از ژانویه سال ۲۰۰۲ به اجرا درآمده، بار سنگینی را بر دوش دولت تحمیل کرده اند. از اینرو، رفع کسر بودجه دولت نیازمند جایگزینی سیاستهای ساختاری به جای تدابیر تک بعدی است که با صرفه جویی در هزینه ها ارتباط مستقیم دارند. دولت باید برنامه های هزینه ای سرمایه های خود را تعیین کند و مشخص نماید در چه بخشهایی باید صرفه جویی شود. طی ده سال آینده، کاهش مالیاتها باید به اجرا درآید اما در عین حال کاهش هزینه های دولتی باید از این سیاست پشتیبانی کند. در غیر این صورت، خطر احیای چرخه هزینه ها که این دستاوردها را تهدید می کند، همچنان وجود خواهد داشت. بعلاوه، ایجاد بودجه مازاد به مقابله با

فشارهای مالی مرتبط با افراد مسن جامعه کمک خواهد کرد.

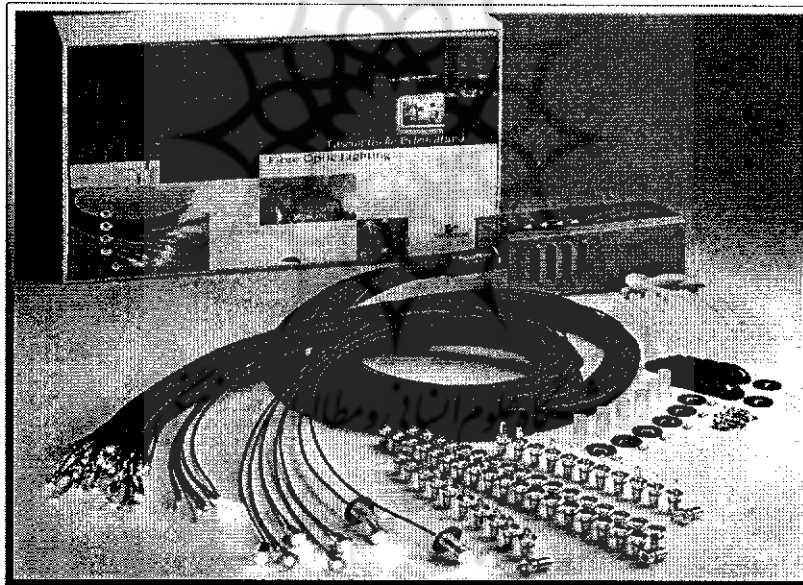
اصلاح ابعاد گوناگون بخش دولتی در برنامه دولت جایگاه بالایی دارد. در واقع، اصلاح بخش دولتی هم برای تثبیت شرایط پولی و هم افزایش کارایی این بخش و دستیابی به نتایج بهتر در بازار، مهم می باشد. اگر چه در مورد برخی اصول مهم اصلاحات بویژه کاهش استخدام دولتی و کارآمد ساختن برخی از نهادهای بخش دولتی تصمیم گیری شده است اما برخی از اصول مهم نادیده گرفته شده اند. واگذاری بخشی از وظایف دولتی به نهادهای وابسته به دولت می تواند تحت شرایط خاصی

کارایی بخش دولتی را افزایش دهد. البته، شواهد حاصل از اقدامات گذشته به تصویری مبهم انجامیده و حتی این خطر وجود دارد که با حذف برخی شرکتها از بودجه، نظام مالی مختل شود. بنابراین، چنین اقداماتی نمی تواند جایگزینی برای اصلاحات ساختاری باشد. باید تحریف کارایی در بخش دولتی بدقت مشخص و کاملاً برچیده شود. بعلاوه،

باید مشخص شود که چه خدماتی می بایست به بخش خصوصی واگذار شود. اقدام در این زمینه می تواند مبنی بر پیشنهادها و توصیه هایی باشد که قبلاً کمیسیون اصلاحات ارائه نموده است. مزایا و معایب این سیاستها باید بدقت، تجزیه و تحلیل شوند و طبق یک چارچوب جامع، ارزیابی دقیقی از پروژه های گذشته و آینده بعمل آید. انتخاب پروژه های کار آمد

نیازمند برآورد معایب و مزایای آتی در یک افق زمانی چند دهه ای و ارزشیابی ارزش فعلی آنها است.

موضوع کارایی بخش دولتی در قبال تعیین وظایف بخشهای مختلف و افزایش درآمدها نیز مصداق دارد. پروسه مذاکره پیرامون تقسیم درآمدها شفاف نیست و این سیستم برای استفاده پهنه از منابع و ارزشیابی کارایی طرح های هزینه بر در سطوح مختلف دولتی انگیزه چندانی ایجاد نمی کند. در عوض، مالیاتهای عمومی دریافت شده، باید مطابق با اصول تأیید شده میان سطوح مختلف دولتی توزیع گردند و در صورت نیاز قدرت ابانتها و دیگر مجامع



جهت افزایش درآمدها، ارتقا یابد. به همین صورت، باید سیاستهای فعلی که هدفشان واگذاری وظایف دولتی است بر افزایش توازن میان هزینه ها و تامین بودجه لازم متمرکز گردند.

آیا اطروش برای افزایش تعداد مستمری بگیران خویش آمادگی دارد؟

در سال ۲۰۰۰، برای محدود کردن تاثیر مالی افراد مسن بر سیستم مستمری گیری

جامعه اقدامات مهمی انجام شد و همین امر باعث شد که بازنشستگی زود هنگام دیگر جذابیتی نداشته باشد. جلوگیری از افزایش سریع درخواست بازنشستگی طی سالها و دهه های آتی نیازمند اصلاحات بیشتری است که البته باید بزودی اجرا شوند. به نظر می رسد افزایش سن بازنشستگی، اهمیت زیادی دارد و اصلاحات آتی در این زمینه باید تمام کانالهایی که به بازنشستگی زود هنگام در این زمینه می انجامند، از جمله ناتوانی مستمری بگیران، را مدنظر قرار دهند. همچنین، تقسیم سیستم پرداخت مستمری به شاخه های گوناگون شغلی که هر کدام در خدمت ارباب رجوع خاص خود هستند،

باید برچیده شود. برای تقویت رابطه میان کمک به مستمری بگیران و مستمری دریافتی، باید میزان مستمری بر اساس درآمد بازنشستگان در تمام طول سابقه کاری آنها محاسبه گردد نه ۱۵ سال از بهترین سالهای فعالیت آنان. بنابراین نقش سیستم پرداخت مستمری باید تعیین شده و این سیستم خارج از سیستم مالیاتهای

عمومی تامین بودجه نمود. باید مزایای این سیستم بدقت روشن شوند تا ثبات سیستم پولی محفوظ باقی بماند و یک سقف مالی مکمل نیز تامین گردد. این هدف از طریق انتقال سیستم حق سنوات خدمت به بودجه پرداخت مستمری که برای شرکتها اجباری است، تحقق می یابد. سیستم فعلی پرداخت مستمری افراد در بخش خصوصی به سختی مورد پذیرش خانواده ها قرار گرفت. بنابر

این باید بدقت بر چنین بودجه ای نظارت کرد و اگر لازم باشد یک چارچوب منظم را برای ارزیابی آن تدوین نمود.

آیا می توان عملکرد بازار کار را بهبود بخشید؟

بازار کار اطریش همچنان دارای نرخ نسبتاً پائینی از بیکاری است و دستمزدها همچنان انعطاف پذیر باقی مانده اند. رشد نسبتاً یکنواخت و آرام دستمزدها و استخدام در سال ۲۰۰۰ یعنی در زمانی که قیمت نفت و کالاهای وارداتی افزایش یافته بود، مؤید این یافته است. البته استفاده از کارکنان زن و مسن پائین است. همواره میان نیروهای مجرب مورد تقاضا و عرضه آنها نوعی عدم هماهنگی وجود دارد. با توجه به اصلاح بازار کار، دولت جدید بر نیاز به افزایش نیروی کار و کارآیی مشاغل و همچنین اهمیت تدابیری که یا اجرا شده اند و یا در دست تهیه هستند، تاکید دارد. برخی از قوانین دریافت مستمری بیکاری تشدید شده اند که این امر موجب افزایش انگیزه های کارآیی خواهد شد. تدابیر کاهش هزینه های بیکاری و افزایش فعالیتهای اجتماعی نیز اتخاذ شده اند. همچنان فضا برای کار بیشتر در آینده وجود دارد هر چند که تمامی تدابیر اتخاذ شده مطابق با افزایش انگیزه مشارکت نیروی کار و ایجاد اشتغال نیستند. در واقع، این موضوع در مورد پارانه هایی مصداق دارد که برای کاهش ساعت کار کارکنان مسن پرداخت می شوند. همچنین، افزایش حق اولاد که برای سال ۲۰۰۲ پیش بینی شده است با کاهش ساعات کار والدین آنها بویژه زنان جبران خواهد شد. در بیمه بیکاری، افزایش مدت دریافت حق بیمه بیکاری بر کارآیی تاثیر منفی می گذارد و باید آن را اصلاح کرد. باید

طرحهای گسترش تعریف عبارت «مشاغل قابل قبول»^۳ که در مورد مهارتهای افراد بیکار است که از این حق بهره مندند اجرا شوند و معیارهای دریافت حق بیکاری در طول دوره بیکاری گسترش یابند.

یکی از ابعاد کلیدی اصلاحات تصویب شده «سازمان خدمات اشتغال دولتی»^۴، یکپارچه ساختن فعالیتهای این سازمان در خصوص مشاوره، کارآیی، تدوین تدابیر مناسب برای بازار کار و پرداخت حق بیکاری است. در واقع، پروسه ایجاد هماهنگی در میان مشاغل با تعامل میان بخشهای مختلف پروسه کارآیی افزایش می یابد. بنابراین، تدابیر یکپارچه ساختن آنی بخشها، بهتر تحقق خواهند یافت. به همین صورت، یکپارچگی هر چه بهتر سیستمهای کمک به بیکاران و کمکهای اجتماعی که مسئولیت آنها میان مقامات دول فدران و منطقه ای مشترک است نیز باید مد نظر قرار گیرند. بعلاوه، کارآیی خصوصی در خدمات یکپارچه اشتغال نیز باید گسترش یابد. «سیاستهای فعالانه بازار کار»^۵ نقش مهمی در استراتژی اشتغال دولت ایفا می کنند. در چارچوب تهیه «شرح حال» بیکاران که مطابق با ویژگی های اقتصادی آنان تدوین می گردد، باید از سیاستهای فعالانه بازار کار برای سنجش آمادگی به کار دریافت کنندگان حق بیکاری استفاده نمود. بعلاوه، برای تضمین کارآیی طرحهای کاری و آموزشی، باید تدابیری را اتخاذ نمود که هدفشان مستقیماً گروه های مشکل دار است. به طور کلی، این خطر وجود دارد که فعالیتهای بخش خصوصی بدلیل برنامه ای کاری دولتی تضعیف شود. معمولاً بار هزینه ای چنین مشکلاتی بسیار زیاد است. ارزیابی مناسب از میزان کارآیی تدابیر بکار گرفته شده در

قابل افزایش فرصتهای استخدام و به حداقل رساندن بار هزینه ها در نتیجه از میان بردن اثرات آن الزامی است. تاکید بیشتر بر مزایای افراد شاغل که امکان دریافت مالیات مؤثر از اشتغال مستمر را تسهیل می نماید، می تواند باعث تدوین یک استراتژی مناسب برای تسریع در پرداخت حق بیکاری و کمکهای اجتماعی به افراد شود.

اهمیت روز افزون نیروی کار ماهر در یک جامعه مبتنی بر دانش و تخصص، بر نیاز به اصلاح سیستم آموزشی اطریش تاکید می نماید. آموزش عالی در اطریش بسیار پر هزینه است و باید برای رفع شکاف در عرضه و تقاضای مهارتها، کارآیی آن افزایش یابد. دولت یک برنامه اصلاحات را آغاز کرده که هدف آن افزایش کیفیت آموزش عالی و بودجه دانشگاهی می باشد. عناصر مهم این برنامه عبارتند از حذف دوره کاری تمام عمر اساتید دانشگاه، لحاظ کردن عملکرد افراد هم در سیستم پرداخت حقوق اساتید و هم در تامین بودجه دانشگاهها و همچنین استقلال هر چه بیشتر دانشگاهها در تعیین حوزه های تحقیق و آموزش آنان. از پانزده سال ۲۰۰۱ به بعد، از دانشجویان شهریه دریافت می شود و مبلغ حاصله در اختیار دانشگاهها قرار خواهد گرفت. طرحهای مربوط به اصلاحات دانشگاهی باید در مسیر صحیح قرار گرفته و اجرا شوند. اگر چه از دریافت شهریه استقبال شده اما افزایش درآمد دانشگاهها برای افزایش عملکرد آنها کافی نیست. بعلاوه، باید از طریق اصلاحات، رقابت میان دانشگاهها را گسترش داد و میان عملکرد دانشگاهها و بودجه آنها رابطه ای را ایجاد نمود. سیستم آموزشی اطریش در تامین مهارتهای کاربردی موفق بسوده و به همین

دلیل توانسته میزان بیکاری در میان جوانان را به سطوح بسیار پائینی برساند. طی سالهای گذشته برای سازگار کردن دوره های آموزشی با تقاضای جدید تلاشهای مختلفی صورت پذیرفته است. این سیاست باید استمرار یابد. بازارها باید اجازه یابند در این زمینه سرمایه گذاری کنند تا بدین ترتیب در زمینه آموزش مشاغل گوناگون و میان عرضه و تقاضای آنها توازن برقرار گردد.

مراحل بعدی در اصلاح سیستم نظارتی باید چه باشند؟

سیستم فعلی نظارت بر موضوعات رقابت عمومی بویژه ادغامها و کارتل ها^۱ مبتنی بر یک دادگاه ویژه کارتل ها است که برای مستقلانه عمل کردن قدرت قضایی محدودی دارد اما از جانب وزرای اقتصاد و کار عمل می کند. دولت لایحه ای مبنی بر ایجاد یک مرجع رقابتی مستقل را ارائه نموده که این امر پیشرفتی مهم به سمت یک سیستم رقابتی اثربخش است. باید کارآیی چنین نهادی تضمین شود. شرکتهایی که از قانون سرپیچی می کنند باید به نحو مقتضی جریمه شوند تا دیگران به فکر انجام اقدامات ضد رقابتی نیافتند. البته باید یک برنامه انعطاف پذیر تهیه گردد که به موجب آن اولین شرکتی که ماهیت یک کارتل را افشاء و در پیگرد قضایی آن به طور کامل همکاری می نماید، مستحق کاهش مجازات باشد. همچنین، باید مشخص شود که آیا برای انجام تحقیقات پرسنل کافی در اختیار می باشد و در صورت لزوم امکان افزایش سریع نیروهای مورد نیاز وجود دارد یا خیر. در صنایع شبکه ای دستاوردهای مثبت و خوبی حاصل شده و برای باز کردن برخی بازارها به روی رقابت اقدامات مهم انجام

شده است. البته غالب کردن ساختار بازارها نشانگر آن است که برای ایجاد رقابت در صنایع شبکه ای باید کار بسیار زیادی انجام داد. همانند تمامی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اصلاح سیستم نظارتی در بخش ارتباطات به کاهش چشمگیر هزینه ها و ارائه طیف گسترده ای از خدمات منجر خواهد شد. بازگشایی بازارها را برترتیب برای پائیز سال ۲۰۰۱ و سال ۲۰۰۲ برنامه ریزی کرده است که این امر کاملاً مطابق با توصیه کشورهای اتحادیه اروپا است و البته اصلاحات بیشتر باید از آن حمایت کنند. از سوی دیگر، اصلاح سیستم نظارتی در بخش خدمات پستی پیشرفت چندانی نداشته و در خصوص ایجاد رقابت در بخش سیستم راه آهن پیشرفت بسیار محدودی صورت گرفته است. انتظار می رود سیاستهای مورد نظر در این زمینه ها به بهبود امکانات رفاهی برای افزایش رشد بهره وری در اقتصاد بیانجامد. برخی از موضوعات مهم در این زمینه عبارتند از:

- در بخش ارتباطات چارچوب نظارتی باید گسترش یابد تا امکان اتخاذ تدابیر پیش گیرانه فراهم آید. تغییرات سریع در ساختار بازارها و نظارت بر فعالیتهای بخش ارتباطات بدنبال این چارچوب اجرا خواهند شد. برای افزایش فشار رقابت در بازار تلفنهای همراه باید نظارت بیشتری صورت پذیرد.

- در خصوص ادغام عمومی کالاهای برتر در بازارهای گاز و برق، دستیابی به شبکه ها به طور کامل مطمئن نیست. بنابراین، برای تقویت رقابت، باید بخشهای تولید و توزیع به طور کامل از هم منفک شوند. حداقل کار در این خصوص نیازمند مجزا

کردن شبکه ها و ژنراتورها است. خصوصی سازی می تواند به این کار کمک کند.

- در بخش خدمات پستی، سازمان پست اطریش حق انحصاری تحویل مراسلات تا ۳۵۰ گرم را در اختیار دارد. این حق انحصاری باید کاهش یافته یا ترجیحاً از میان برداشته شود. صلاحیت نظارت در این کار باید از وزارت حمل و نقل، نوآوری و فن آوری به یک مرجع مستقل قدرتمند واگذار شود.

- در بخش راه آهن، باید ورود ارائه دهندگان خصوصی خدمات حمل و نقل تقویت گردد. این امر نیازمند آن است که برای ارائه دهندگان خصوصی خدمات حمل و نقل، شبکه ای کاملاً مستقل تدوین شود. موضوعات مهم نظارتی در خصوص بخشهای غیرشبکه ای نیز وجود دارند. نظارت بر ساعات باز شدن فروشگاهها باید با آزادی بیشتری توأم باشد. قوانین مربوط به تامین مایحتاج عمومی باید در میان بخشهای مختلف دولتی یکپارچه گردد و البته بر مبنای کاملاً انعطاف پذیر استوار باشد. باید خصوصی سازی در تمام سطوح دولتی بویژه بانکهایی که هنوز دولتی باقیمانده اند، اشاعه یابد.

چگونه اهداف زیست محیطی در دیگر سیاستها ادغام می شوند؟

در اطریش استانداردهای زیست محیطی بالا هستند که این امر در قوانین خاص محیط زیست، گنجانیدن نگرانیهای زیست محیطی در برنامه ریزی پروژه های مهم زیربنایی و تعهدات بین المللی اطریش به خوبی مشهود است. حمایتهای گسترده سیاسی باید از اهداف زیست محیطی پشتیبانی نمایند و برای برآورده ساختن این اهداف منابع مناسب مالی اختصاص داده

شوند. البته، کمبود یک چارچوب مناسب برای گنجاندن نگرانیهای زیست محیطی در گذشته و حال انجام نشده است. این امر بدان معناست که سیاستهایی که اهدافشان یکسان است از توازن خوبی برخوردار نیستند تا بتوان کارآیی آنها را تضمین نمود. بنابراین، برای تجزیه و تحلیل معایب و مزایای این سیاستها باید یک چارچوب جامع را تدوین نمود.

آیا سیاستهای زیست محیطی کارآمد هستند؟

اولین مثال درخصوص اهداف بلندپروازانه اطریش در امور زیست محیطی، مربوط به کاهش چشمگیر انتشار گازهای گلخانه ای است. البته، سیاستهای بکار گرفته شده در این زمینه را می توان بیش از پیش گسترش داد. در حالیکه بیشترین تاکید بر قوانین «فرمان و کنترل»^۷ است، اما ابزار اقتصادی چندان با اهداف زیست محیطی مرتبط نشده اند. مثلاً، وضع مالیات بر انرژی به منظور دستیابی به روشهایی که متناسب با محیط زیست باشند، انگیزه چندان زیادی ایجاد نمی کنند یا یارانه های مشخصی بدون هیچگونه ارزشیابی دقیقی پرداخت می شوند. همچنین، کارآیی فعلی قوانین مربوط به نحوه کارکرد موتورهای یا نیروگاههای حرارتی باید با وضع مالیات بر تساعد گاز CO₂ یا طرحهای تجاری تشدید شوند. بدین ترتیب، کاهش تساعد این گازها خود به یک موضوع اقتصادی تبدیل شده و نیاز به کنترل های فنی پرهزینه را کم می کند. مالیات گاز CO₂ به تمرکز هر چه بهتر مالیات انرژی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه ای می انجامد. معافیتهای مالیاتی که به لحاظ زیست محیطی انگیزه چندانانی را ایجاد نمی کنند - مانند مالیات بر موتورهای

دیزل - باید برچیده شوند. مالیات گاز CO₂ نیاز به برنامه های پرداخت یارانه که هدفشان حمایت از منابع انرژی قابل احیا، عایق بندی انبارهای موجود، نیروگاههای حرارتی و حمل و نقل عمومی می باشند را کاهش می دهد. باید نگرانیهای اجتماعی در مورد تست کردن وسائط نقلیه عمومی رفع شوند. بعلاوه، نگرانیهای مربوط به اثرات منفی رقابت بین المللی اطریش را باید از طریق یک طرح ریش سفیدانه که انگیزه لازم برای سرمایه گذاریهای جدید را فراهم آورند، کاهش یابند.

آیا سیاستهای زیست محیطی مقرون به صرفه تر می شوند؟

انتشار گاز NOx که مرتبط با تردد کامیونها می باشد از طریق یک سیستم زیست محیطی که در جریان الحاق اطریش به اتحادیه اروپا مورد مذاکره قرار گرفت و از طریق آن بخشهای تولید کننده این گاز در کامیونها حذف شدند، به شکل موفقیت آمیزی کاهش یافت. البته امکان گسترش نامحدود این موافقتنامه وجود دارد. بعلاوه، سیستم فعلی انگیزه چندانانی را برای استفاده از فناوریهای پاک حمل و نقل در کامیونها بدنبال ندارد. بنابراین، در قوانین تردد خودروها باید به این نکته توجه شود که افزایش سریع هزینه های مربوط به نابودی محیط زیست چنین سیستمی را خنثی می کند و بنابر این برای تدوین چنین سیستمی باید هزینه های نابودی محیط زیست بویژه در مناطق حساس را بدقت مدنظر قرار داد. همچنین قوانین اتحادیه اروپا باید براساس آنچه که در گزارش اخیر اتحادیه اروپا آمده است، تنظیم و تدوین گردند.

برای مردم اطریش، موضوع آب از اولویست بالایی برخوردار است. لذا دولت در نظر

دارد تا تضمین نماید که سرمایه گذاری کافی در امور زیربنایی خدمات آب صورت پذیرد - تا کیفیت بالای آب حفظ شود. اختصاص سرمایه لازم و در عین حال بهبود سیستم قیمت گذاری خدمات آبرسانی، امکان تحقق این هدف را بالا برده، ارائه ضعیف خدمات را کاهش داده، کارآیی خدمات زیربنایی را ارتقا بخشیده و امکان اختصاص منابع را توسعه داده است. این امر از تدابیری که قبلاً تدوین و اجرا شده اند در برنامه دولت اطریش گنجانده شده اند، به طور کامل حمایت نماید. همچنین، جمع آوری زباله و هزینه ای آن نیز منعکس کننده مضرات آلودگی خاک و هوا است. بازیافت زباله باعث بهبود کارآیی چنین سیستمی می گردد.

در بخش کشاورزی، تلاشهای بسیاری برای روشهایی که به لحاظ زیست محیطی مناسب هستند، بعمل آمده است. البته، اگر قرار است از طریق تجزیه و تحلیل معایب و منافع، این سیستم از تولید مداری به سمت دستیابی به نتایج مناسب زیست محیطی تغییر کند، باید اختصاص منابع بهبود یابد. می توان برای جبران هزینه ها، بخشی از آن را از صنعت توریسم کسب کرد یعنی بخشی از درآمد این صنعت را به کشاورزی اختصاص داد. در حالیکه تدابیر اجرایی بر چارچوبهای مشروط متمرکز هستند، باید فضای بیشتری را برای فعالیتهای کشاورزی در نظر گرفت.

1. Command -and - control type measures
2. Upswing
3. Acceptable jobs
4. Public Employment Service (PES)
5. Active labour market policies (ALMPs)
6. Mergers and cartels
7. Command and control type regulations